

پناهجو به مثابه هموساگر؛ بررسی وضعیت پناهندگان خاورمیانه به اروپا
(۲۰۱۵-۲۰۲۳)

علیرضا سمیعی اصفهانی^۱، نفیسه اله دادی^۲

۱۳

دوره ۷، شماره ۱، پیاپی ۱۳
بهار و تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۸/۰۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۲/۰۱

صص: ۲۲۴-۱۹۵

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۵۵۱



CC BY-NC-SA

چکیده

امروزه جهان با بحران‌هایی مانند جابه‌جایی اجباری، آوارگی، پناهندگی و پناهجویی روبه‌روست. مقصد این پناهجویان یا مهاجران اجباری، کشورهای توسعه‌یافته و اغلب کشورهای اروپایی است. از این رو اروپا از منظر حقوق شهروندی و حقوق بشر در بحبوحه یک «بحران دموکراتیک» قرار دارد. به بیان جورجیو آگامبن این بحران را می‌توان نشانه‌ای از «مرگ شهروندی» برای سوژه‌های واقع شده در وضعیت «استثنایی» و «حیات برهنه» تلقی نمود. طی یک دهه اخیر رویدادهایی همچون وقوع انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۱، ظهور داعش و گروه‌های ستیزه‌جوی افراطی، فرقه‌گرایی، جنگ‌های داخلی و نیابتی در کشورهای سوریه، عراق، یمن و همچنین روی کار آمدن طالبان در افغانستان از دلایل عمده مهاجرت اجباری بخشی از جمعیت منطقه خاورمیانه به قاره اروپا بوده است. پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که «سیاست‌ها و مواضع کشورهای اروپایی در قبال پناهجویان خاورمیانه چرا و چگونه منجر به شکل‌گیری بحران پناهندگی طی سال‌های اخیر در این کشورها شده است؟ یافته‌های پژوهش با تکیه بر مفاهیم بنیادین اندیشه جورجیو آگامبن نشان می‌دهد که کشورهای هدف پناهجویی در اتحادیه اروپا، با قراردادن پناهجویان در موقعیت «اردوگاهی» (حیات برهنه و وضعیت استثنایی) عمدتاً به مثابه «هموساگر» یا موجوداتی «فاقد حقوق»، «فاقد سرزمین» و «حاشیه‌نشین» رفتار کرده‌اند، وضعیتی که عملاً به معنای پایان حقوق شهروندی، پایان حقوق بشر و کمک‌های انسان‌دوستانه است.

کلیدواژه‌ها: پناهجو، جورجیو آگامبن، هموساگر، اردوگاه، حیات برهنه، وضعیت استثنای.

DOI: 10.22080/jpir.2024.26213.1355

۱. مقدمه

از سال ۲۰۱۵ میلادی به این سو، اتحادیه اروپا شاید از نظر موقعیت ژئوپلیتیکی و همچنین از نظر مهاجرت، فرار و جابه‌جایی جمعیتی، چالش‌برانگیزترین دوران را از زمان پایان جنگ جهانی دوم تجربه می‌کند. در طول سال ۲۰۱۵، پیامدهای ناشی از کشمکش‌های داخلی در سوریه، افغانستان، عراق، یمن، فلسطین و ... اروپا را در مقیاس انبوه درگیر بحران جدیدی کرد. طی این سال، نزدیک به ۱,۳ میلیون آواره در جست‌وجوی پناهگاه و پناهندگی از مرزهای این قاره عبور کردند که بیشترین میزان در یک سال از زمان جنگ جهانی دوم بود. مسیر اصلی این مهاجرت از طریق دریای مدیترانه، بین مرزهای لیبی و ایتالیا بود، جایی که هزاران رهگذر ناپدید و یا جان خود را از دست دادند به گونه‌ای که بسیاری از تحلیل‌گران و رسانه‌های خبری از این رویداد با عناوین «سونامی مهاجرت» و «بحران مهاجران مدیترانه» یاد کردند. بخش عمده‌ای از این مهاجرین پناهجو، از منطقه خاورمیانه به کشورهای اروپایی سرازیر شده بودند. خاورمیانه به‌عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک با اختلافات عمیق در بین کشورها از یک سو و از سوی دیگر شکاف بین دولت‌های حاکم این کشورها با ملت‌های خود روبه‌روست که در عین حال با رقابت‌های خارجی ملتهب می‌شود (Cohen, 2009: 355). فرقه‌گرایی و تشدید اختلافات مذهبی جزء لاینفک در تحولات خاورمیانه است. پدیدارشدن دولت‌های ضعیف، شکننده و فرومانده، مانند لیبی، یمن، عراق، سوریه و ظهور بازیگران قدرتمند غیردولتی فراملی مانند القاعده، داعش، جبهه النصره، طالبان، جماعت اسلامی، جماعات الصحوه، جنبش انصارالله یمن، حزب‌الله لبنان و... در کنار تغییر در رفتار و کنش‌گری بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای، نظم سیاسی و امنیتی حاکم بر خاورمیانه را متحول کرده و زمینه را برای ایجاد نظم جدید فراهم کرده است (اکبری، ۱۳۹۵: ۱۰). در نتیجه، جنگ و منازعات ویژگی غالب ژئوپلیتیک خاورمیانه در سال‌های اخیر است که منطقه را با آشوب و بحران مواجه ساخته و نظم حاکم بر آن مبتنی بر آنارشی است که به‌طور ذاتی رقابت‌ها و خصومت‌ها را در منطقه بازتولید می‌کند. برونداد نظم آنارشیک، تاکنون ویرانی شهرها، رشد تروریسم و بنیادگرایی، تشدید خصومت‌ها، افزایش بی‌اعتمادی و به خطر افتادن امنیت انسانی و زیست‌محیطی بوده است. تحت چنین شرایطی شهروندان خاورمیانه‌ای برای حفظ جان و امنیت خود گزینه‌ای جز مهاجرت به مکان امن پیش رو نداشتند، بنابراین شاهد موج گسترده‌ای از مهاجرت بوده‌ایم که از آن تحت عنوان سونامی مهاجران یاد

می‌شود که از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون بی‌سابقه می‌باشد. در همین رابطه، قرابت ژئوپلیتیک و شرایط مطلوب و ایده‌آل زندگی در اروپا، این منطقه را به مقصد اصلی مهاجران تبدیل کرد (اختیاری‌امیری و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۳). این نوع مهاجرت، البته مهاجرتی اجباری است که فرد وادار می‌شود که خانه و وطن خود را برای حفظ جان، ترک نماید. این انسان‌ها که با تعابیر آواره و پناهنده از آن‌ها یاد می‌شود، از حقوق بشر به صلاح‌دید حاکم کشور پذیرنده، تهی شده و به تعبیر آگامبن می‌توان گفت در وضعیتی «استثنایی» قرار می‌گیرند. بنابراین از منظری انتقادی، با بسط نظریه آگامبن و بهره‌گیری از مفاهیمی چون «حیات برهنه» و «وضعیت استثنایی» می‌توان ادعا نمود که پناهجویان، انسان‌هایی وامانده در «شکاف شهروندی» و مهاجران «غیرمجاز شناور» در اقتصاد جهانی هستند که در فضای بینابینی اردوگاهی یا وضعیت نامحدود و معلق غیر شهروندی زندگی می‌کنند که با از دست دادن حقوق تضمین شده شهروندی موطن خود، به طور متناقض، حقوق بشر را نیز از دست داده یا در برابر نقض حقوق بشر آسیب‌پذیر می‌شوند و آن‌ها را در معرض خطر «مرگ بدون قتل» قرار می‌دهد. با این توصیف، پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که؛ «سیاست‌ها و مواضع کشورهای اروپایی در قبال پناهجویان خاورمیانه (به‌ویژه پناهندگان کشورهای سوریه، عراق، یمن و افغانستان) چرا و چگونه منجر به شکل‌گیری بحران پناهندگی طی سال‌های اخیر در این کشورها شده است؟»

Europe's migrant crisis

Hundreds of thousands of refugees fleeing wars and economic migrants escaping poverty have arrived in the European Union in an unprecedented wave. Nearly all first reach the EU's eastern and southern edges and then press on illegally for richer and more generous EU countries further north and west.



۱) بنیان نظری پژوهش

سامانه نظری/مفهومی جورجیو آگامبن (۱۹۴۲)، فیلسوف معاصر و سرشناس ایتالیایی، بنیان نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. برای فهم بهتر و دقیق‌تر مشکل پناهجویان در اروپا در آغاز مؤلفه‌های مفهومی نظریه آگامبن را توضیح خواهیم داد و آن‌گاه بر پایه این مفاهیم و به کمک داده‌ها و مستندات عینی موجود، دلایل و انگیزه‌های پناهندگان خاورمیانه به اروپا و همچنین وضعیت آن‌ها را به مثابه هوموساگر تبیین خواهیم نمود:

۱-۱) زیست سیاست: آگامبن در ابتدای کتاب هوموساگر با تأیید دیدگاه فوکو در باب این‌که سیاست مدرن نوعی «زیست سیاست» است، بدین معنی که «خود زندگی» را موضوع یا ابژه خود ساخته یا به زبان ارسطو «زونه» یا زندگی طبیعی را در «پولیس» یا زندگی اجتماعی/سیاسی ادغام کرده است، به بسط اندیشه فوکو می‌پردازد (Agamben, 1998: 3). میشل فوکو با طرح زیست سیاست، نوعی

- 1 Giorgio Agamben
- 2 Homo Sacer
- 3 Biopolitics
- 4 Zoē
- 5 polis

گذار در مدرنیته را شناسایی کرد که طی آن دولت به طور فزاینده‌ای مراقبت و تنظیم زندگی بیولوژیکی و خود انسان را به عنوان وظیفه خود بر عهده گرفت. استقرار آن چیزی که فوکو از قرن هفدهم «زیست قدرت» می‌نامد، فناوری قاعده‌مند قدرت است که زندگی را در حوزه ارزش و فایده توزیع می‌کند. به این ترتیب، «زیست سیاست» با ظهور قدرت زیستی در مدرنیته آغاز می‌شود. از نظر آگامبن، ظهور فناوری قدرت زیستی نه یک گسست در تاریخ سیاست غرب، بلکه به معنای گسترش الزامات زیست سیاسی موجود دولت است؛ زیرا زندگی برهنه از حاشیه به مرکز نگرانی‌های دولت وارد می‌شود. در مدرنیته نظم سیاسی به‌عنوان استثنا به طور فزاینده‌ای به قاعده تبدیل می‌شود (Agamben, 1998: 9).

فوکو از اصطلاح «قدرت زیستی» برای معرفی و شناسایی مکانیسم‌هایی استفاده کرد که از طریق آن استراتژی‌های انضباطی (که با تولید بدن‌های مطیع در مکان‌هایی مانند زندان، مدرسه و بیمارستان اعمال می‌شد) در دوران مدرن با سیاست زیستی جایگزین شدند. در دفاع از جامعه، دولت به منظور حفاظت از رفاه بیولوژیکی «گونه» جمعیت (شهروندان)، پیشگیرانه عمل می‌کند، بنابراین باید دیگری را بکشد؛ صورتبندی دیگر آن می‌شود: «اگر می‌خواهی زندگی کنی، دیگری باید بمیرد» (Foucault, 2003: 255). آگامبن برخلاف فوکو معتقد است، زیست‌سیاست پارادایم کلیت سیاست غرب از بدو شکل‌گیری بوده است و نه صرفاً ویژگی عصر مدرن، یعنی دقیقاً از همان زمانی که ارسطو بین اشکال زندگی تمایز قایل شد و زوئه یا زندگی زاینده طبیعی را از پولیس یا زندگی سیاسی حذف و به حوزه خصوصی محدود ولی در عمل آن را در پولیس ادغام نمود (Agamben, 1998: 7). از زمانی که قدرت حاکم مطرح بوده است، با زیست سیاست مواجه بوده‌ایم. بدین ترتیب؛ آگامبن دو تغییر اساسی در موضع فوکو درباره قدرت زیستی ایجاد می‌کند. نکته نخست این است که او ادعای فوکو را مبنی بر اینکه زیست سیاسی یک امر خاص مدرن است، رد می‌کند (Spinks, 2008: 14). دومین اصلاح موضع فوکو، پیشنهاد آگامبن است مبنی بر اینکه سیاست زیستی مبتنی بر «ساختار استثنا» است (Agamben, 1998: 7)، وضعیتی که آگامبن بر مبنای «حذف و ادغام» آن را تحلیل نموده است.

۱-۲) **هوموساگر و حیات برهنه!** آگامبن پیامد زیست سیاست غرب را تولید «زندگی برهنه» می‌داند که «برسازنده هسته آغازین قدرت حاکم است» زندگی برهنه یعنی زندگانی بری از هر فرم و معنا (Agamben, 1998: 36). او بیان می‌کند که «زندگی برهنه، که شالوده و سویه پنهان حاکمیت

در غرب بوده، به شکل غالب زندگی در همه جا تبدیل شده است. زندگی - در وضعیت استثنایی اش که اکنون به یک هنجار تبدیل شده است - زندگی برهنه‌ای است که در هر زمینه‌ای اشکال زندگی را از انسجام آن‌ها به شکل زندگی جدا می‌کند» (Agamben, 2000: 5). آگامبن استدلال می‌کند که حاکمیت، قدرت خود را از طریق تولید نظم سیاسی مبتنی بر طرد زندگی یا «هستی برهنه و طبیعی» (زونه) در برابر زندگی یا «هستی سیاسی» تثبیت می‌کند. استثنای حاکمیتی باعث ایجاد نظم قضایی می‌شود. قاعده با تعلیق خود باعث ایجاد استثنا می‌شود - یعنی نظم حقوقی با تعلیق اعتبار خود، استثنا زندگی عریان را ایجاد می‌کند - و با حفظ خود در رابطه با استثنا، خود را به عنوان یک قاعده تشکیل می‌دهد (Agamben, 1998:18). آگامبن استدلال می‌کند که بر اساس این طرد (شامل) زندگی عریان، خود دولت غربی تشکیل می‌شود. بنابراین، بر پایه این مکانیسم طرد/جذب سیاست زیستی دولت مدرن است که مقوله‌هایی از جمعیت از قلمرو زیستندگان سیاسی (حیات سیاسی) منع و محروم می‌شوند و در نتیجه هوموساکر زاییده می‌شود، در واقع زندگی هوموساکر توسط حاکم به حیات برهنه یا طبیعی تقلیل می‌یابد. در نتیجه، در منظومه فکری آگامبن، هوموساکر اشخاصه بارز و تنها هستنده «حیات برهنه» و «وضعیت استثنایی» است. آگامبن در کتاب «قدرت حاکم و حیات برهنه (۱۹۸۸)»، انسان نوعی وضعیت استثنا را با ارجاع به چهره‌ای حقوقی در روم باستان یعنی «هوموساکر»^۱ به معنای انسان قدسی، توضیح می‌دهد. کسی که هوموساکر را می‌کشد، گرفتار مجازات حقوقی نمی‌شود و بدین لحاظ، زندگی هوموساکر به شکلی نامحدود در معرض «قدرت نامشروط مرگ» قرار دارد. بنابراین وضعیت استثنایی، قلمروی است که در آن، کشتن، نه ارتکاب به قتل به شمار می‌رود و نه تجلیل قربانی در آن مجاز است (Agamben, 1998). فرد هوموساکر در یک «حلاً» رها شده است که مورد تعرض خشونت عریان حاکم است، خشونتی که با «تصمیم» حاکم محرز می‌شود. به تعبیر آگامبن هوموساکر موجود غیر سیاسی شده، که دیگر انسان به شمار نمی‌آید، در «جهان مُردگان»^۲ «فاقد سرزمین»^۳ «فضای

1 Homo sacer

^۲ هوموساکر؛ کلمه‌ای است که از یک رساله حقوقی نوشته پومپوس فستوس، لغت‌شناس رومی گرفته شده است. آگامبن با بازگشت به هوموساکر، به فردی اشاره می‌کند که می‌تواند بدون عواقب کشته شود، اما قربانی نمی‌شود؛ این قربانی شدن از نوع قربانی شدن در مناسک دینی مدنظر است. بنابراین، هوموساکر اساساً فردی فراتر از حمایت قانون (بدون حقوق سیاسی) یا حتی شایسته قربانی شدن است (Zmbylas, 2010: 7)

3 Netherworld

4 Nondomain

غیرقانونی^۱ و بالاتر از همه، «فضای عدم وجود...» زندگی می‌کند، فضایی که قانونی و غیرقانونی، مشروع و نامشروع، آشکار و پنهان را از یکدیگر متمایز می‌سازد. (Coutin, 2003: 172). در زمان رومی‌ها، هموساکر تحت هیچ شرایطی نمی‌توانست در شهر شهروندان زندگی کند او را (مانند پناهندگان غیرقانونی امروزی) به اردوگاه‌ها، حاشیه‌ها یا «سیاه‌چاله‌های» جامعه، دور از دید مردم عادی شهر می‌راندند. امروزه «آواره» و «پناهجو» نیز به عنوان یک حاشیه‌نشین ظاهر می‌شود که زندگی او از نظر کیفی با زندگی شهروند و یک مقیم موقت (ساکن) متمایز است. «او» فردی است که به کالاها و خدمات جمعی جامعه «ما» (امنیت، بیمه، کار و غیره) دسترسی ندارد.

۱-۳) وضعیت استثنا: آگامبن در کتاب «وضعیت استثنا (۲۰۰۵)» برداشت خود از این مفهوم را این گونه توضیح می‌دهد؛ «وضعیت استثنا را نباید به عنوان نوع خاصی از قانون، مانند قانون جنگ درک کرد، بلکه «تعلیق» نظم قضایی حقوقی است. قانون، وضعیت استثنا را به کار می‌گیرد و خود قانون را به حالت تعلیق در می‌آورد. به این ترتیب، حالت استثنا، هم موجود زنده را به قانون ملزم می‌کند و هم در عین حال موجود زنده را رها می‌کند. به گفته آگامبن؛ «امروز نه شهر، بلکه «اردوگاه» است که پارادایم بنیادین زیست سیاست غرب است» (Agamben, 1998: 181). به نظر او، معادل دولت شهر یونانی در دوران مدرن «اردوگاه» است. او در مقاله «اردوگاه چیست؟» می‌نویسد: «اردوگاه بهترین مکان برای شناسایی عصر جدید است؛ زیرا در اردوگاه حوزه عمومی خصوصی مفهوم تمایز خود را از دست می‌دهد و بدن در تمامیت خود به کنترل حاکمیت در می‌آید. در واقع، اردوگاه مکانی است که تعلیق قانون و تبدیل استثنا به قاعده را عینیت می‌بخشد» (Agamben, 2000: 40). در عوض، ساکنان اردوگاه در یک وضعیت ماندگار «زندگی برهنه» از حقوق سیاسی محروم می‌شوند و به حداقل زیست منطقی، یعنی حالت «زندگی معلق و مرگ معلق» تقلیل می‌یابند (Butler, 1993: 67).

وضعیت استثنا، پیوند نزدیکی با مفهوم قدرت حاکم و حاکمیت در اندیشه آگامبن دارد. آگامبن تعریف حاکمیت را از اشمیت می‌گیرد. اشمیت معتقد است: «حاکم، کسی است که درباره استثنا تصمیم می‌گیرد» (Schmitt, 2005: 5). آگامبن، ملهم از اشمیت، بن و ناموس حاکمیت مدرن را همین

1 space of illegality

2 Space of nonexistence

3The State of Exception

4 Camp

تعریف از حاکمیت به‌عنوان تصمیم‌گیرنده در باب وضعیت استثنایی می‌داند. اشمیت در توصیف حاکم مورد نظر خود می‌گوید «همان‌گونه که خداوند به‌عنوان معمار جهان دست به خلق این جهان زده است، حاکم سیاسی نیز معمار اداره جامعه است و چونان خدا از این اقتدار برخوردار است که در جامعه شخصاً قانون‌گذاری نماید و در وضعیت استثنایی تصمیم‌گیری نماید» (اشمیت، ۱۳۹۲: ۱۰).

آگامبن بر آن است که در سیاست معاصر وضعیت استثنایی، در معنای شرایط تعلیق قانون، به قاعده بدل شده است. در روزگار ما «حیات برهنه» عرصه خشونت‌آفرینش و سراسری و نماد نوعی جامعه انضباطی است که آزادی شهروندان فدای مصلحت عمومی می‌شود (Agamben, 2000: 113). بنابر نظر آگامبن؛ این خشونت وضعیت استثنا، در پیکره هموساگر تجلی می‌یابد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد؛ هموساگر مفهومی ناظر بر تسلیم در برابر خشونت حاکمی است که بیرون از قاعده و قانون ایستاده است و حق حیات و مرگ وی را دارد. در نتیجه، اردوگاه بیانگر حالت استثنایی است که در فضای اجتماعی معاصر، عادی شده است. در وضعیت استثنا یا آن چه آگامبن آن را «منطقه عدم تمایز تقلیل‌ناپذیر» می‌نامد (Agamben, 1998: 9-174-75).

بدین ترتیب، وضعیت «غیرسیاسی» شده زندگی برهنه، به‌خوبی می‌تواند موقعیت «پناهندگان»، «آوارگان» و افراد «غیرقانونی» که فاقد تکیه‌گاه‌های نهادی-سیاسی شهروندی هستند، را ترسیم و تبیین نماید. به گفته «لی»؛ «اردوگاه» آگامبن به مثابه یکی از شاخص‌ترین نمادهای حیات برهنه، چارچوبی قانع‌کننده از مطالعات در زمینه مهاجرت ارائه می‌کند که عموماً به دو نتیجه می‌انجامد: نخست؛ مهاجران غیرمجاز، به‌عنوان سوژه‌هایی که نه شهروند هستند و نه غریبه، عمداً در وضعیت «استثنایی» بی‌نظمی «رها» می‌شوند تا به‌عنوان بخشی مولد از وضعیت طبیعی نئولیبرالی را تشکیل دهند. دوم؛ مهاجران غیرقانونی به وضعیت هموساگر یا برهنگی زندگی محض بدون موقعیت رسمی برای مطالبه حمایت‌های حقوقی از شهروندی یا حقوق بشر فروکاسته می‌شوند. اردوگاه، منطقه‌ای بین مرگ و زندگی، بین زندگی سیاسی (قانونی، حقوقی، شهروندی) و زندگی عربان (غیرقانونی، بدون حقوق، عدم مشارکت) قرار دارد (Lee, 2010: 63). با این توضیح، از منظری انتقادی با بسط مفاهیم نظری آگامبن همچون زندگی برهنه و هموساگر، وضعیت اسفبار پناهندگان و مهاجران غیرمجاز را در اقتصاد جهانی که در شرایط نامحدود و معلق غیر شهروندی زندگی می‌کنند، می‌توان تبیین نمود.

۲) بحث و تحلیل

۱-۲) بحران‌های خاورمیانه و تشدید روند پناهنجویی

شهروندان خاورمیانه بیشترین تعداد مهاجران اجباری به اروپا را تشکیل می‌دهند. مهاجر اجباری از این رو به آنان اطلاق می‌شود که برای فرار از شرایط نامطلوب کشور خویش مجبور به ترک وطن می‌شوند. در سال‌های اخیر، جنبش مهاجرت از خاورمیانه و شمال آفریقا (عمدتاً از افغانستان، عراق، سوریه، یمن، ترکیه و مغرب) افزایش یافته است و جمعیت پناهندگان را به نزدیک به ۱۰ درصد از کل جمعیت در چندین کشور اروپایی (عمدتاً در اروپای غربی و اسکاندیناوی) رسانده است (Silbermann & others, 2016: 1). اما به‌راستی دلایل این امر چیست؟ در ادامه ابتدا به اختصار شرایط و زمینه‌های سیاسی اجتماعی که موجب تشدید روند مهاجرت و پناهنجویی شهروندان خاورمیانه (به‌ویژه پناهنجویان کشورهای سوریه، عراق، یمن و افغانستان) به اروپا شده اشاره خواهیم کرد و پس از آن بر پایه چارچوب نظری پژوهش وضعیت این پناهنجویان به اروپا را به مثابه هوموساگر تبیین خواهیم نمود.

جدول ۱. ۱۰ کشور اصلی خاستگاه پناهنجویی/متقاضی پناهندگی به کشورهای اتحادیه اروپا (۲۰۱۵-۲۰۱۶)

کشور	۲۰۱۵	۲۰۱۶
سوریه	۳۶۲,۷	۳۳۴,۸
افغانستان	۱۷۸,۳	۱۸۳,۰
عراق	۱۲۱,۶	۱۲۷,۰
پاکستان	۴۶,۵	۴۷,۶
نیجریه	۳۰,۰	۴۶,۱
ایران	۲۵,۴	۴۰,۲
اریتره	۳۳,۱	۳۳,۴
آلبانی	۶۶,۱	۲۸,۹
روسیه	۱۸,۴	۲۳,۰

Source: MoMA, factsheet December 2022

جدول ۲. تفکیک جنسیت/سنی تعداد کل متقاضیان پناهندگی به اروپا (۲۰۲۲)

درصد	تعداد	
۱۰۰٪	۳۷,۳۶۲	تعداد کل متقاضیان
۵۹,۷۸٪	۲۲,۳۳۷	مردان بزرگسال
۱۴,۳۵٪	۵,۳۶۲	زنان بزرگسال
۲۵,۸۶٪	۹,۶۶۳	کودکان
۷,۶۷٪	۲,۸۶۵	کودکان بدون همراه/سرپرست

Source: MoMA, factsheet December 2022

۲-۱-۱) بحران‌های سیاسی

بحران حکمرانی ناشی از فرهنگ سیاسی اقتدارگرا و حاکمیت ساختارها و نهادهای سیاسی غیردموکراتیک یکی از معضلات اساسی کشورهای خاورمیانه به شمار می‌آید. «جهت‌گیری ایدئولوژیکی و ارتباطات خانوادگی یا شخصی» به‌عنوان عوامل کلیدی ایجاد محافل داخلی در نظر گرفته شده‌اند. به‌طوری که نخبگان سیاسی در پرتو مؤلفه‌های مذکور به درجات مختلفی از قدرت دسترسی دارند. اغلب افراد هم‌سو با ایدئولوژی مسلط نخبگان سیاسی، مذهبی یا هر دو یا برخوردار از ارتباطات خانوادگی یا شخصی با نخبگان حاکم دسترسی بهتری به منابع قدرت سیاسی دارند (۴۱): Cordesman, ۲۰۲۰). این امر منجر به نارضایتی اجتماعی و اشکال مختلف افراط‌گری قومی-مذهبی و در نهایت سرخوردگی و مهاجرت شهروندان این کشورها شده است. در کنار عوامل داخلی، از منظر سیاست خارجی نیز شاید بتوان گفت بحران مهاجرت به اروپا؛ ناشی از رقابت‌های ژئوپلیتیک و جنگ‌افروزی غرب و چند کشور عربی که موجب به راه افتادن جنگ‌های نیابتی در منطقه خاورمیانه شد، سردرگمی و آوارگی هزاران مهاجر (که به‌طور ناخواسته مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند) را در جزایر یونان و ایتالیا در پی داشت. البته چنانکه اشاره شد به لحاظ داخلی؛ این کشورها مستعد بنیادگرایی بودند و با حمایت و دخالت دول خارجی به این موضوع دامن زده شد. برای نمونه؛ تهاجم عربستان سعودی به کشور یمن، حمایت ملی از گروه‌های تروریستی و کشتار روزانه شهروندان یمنی توسط جنگنده‌های آل‌سعود و کشورهای هم‌پیمان آن، باعث افزایش روند اجباری مهاجرت شهروندان یمنی برای نجات جان خود و فرزندانشان گردید. کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان اعلام کرد؛ شمار افرادی که تا پایان سال ۲۰۱۵ در اثر جنگ و درگیری بی‌خانمان شده‌اند، از مرز ۶۵ میلیون

نفر گذشته است (رجبی و اشرف‌خانه‌ای، ۱۳۹۵: ۹-۸). شکل‌گیری «دولت‌های ناکام» و «شککننده» و همچنین ضعف فرهنگ سیاسی ثمره‌ای جز بروز کشمکش‌های داخلی و ظهور گروه‌های تندرو مذهبی مانند داعش نداشت. کشمکش‌های و بحران‌های داخلی در خاورمیانه به‌ویژه در عراق، سوریه و افغانستان، جنگ فرسایشی طولانی با گروه‌های تکفیری و اقلیت‌های قومی، با کاهش منابع مادی و غیرمادی و تضعیف واحدهای سیاسی، امکان تجزیه به واحدهای کوچک‌تر را افزایش می‌دهد. بنابراین وجود نظام‌های سیاسی اقتدارگرا، دولت‌های شککننده، ضعف فرهنگ سیاسی، ضعف و شکستگی جامعه مدنی، انحصار قدرت، انسداد و سرکوب سیاسی، رشد گروه‌های افراطی ستیزه‌جو و مداخلات بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۹، سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۵: ۱۷۲-۱۶۶) و در نتیجه بروز ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی از مهم‌ترین دلایل تشدید بحران پناهجویی در این منطقه شده است.

۲-۱-۲) بحران‌های اجتماعی

درحالی‌که خشونت، بسیاری از کشورهای اسلامی مانند عراق، سوریه و افغانستان، یمن، سرزمین‌های فلسطین و... را فراگرفته، عداوت میان فرقه‌های گوناگون، عربان‌تر از هر زمان دیگری است. مناقشات قومی، فرقه‌ای، مذهبی مانند سنی و شیعه که به قتل و کشتار انجامیده است، موجب گسترش بی‌ثباتی و جنگ داخلی در خاورمیانه و ورای آن گردیده و صلح، ثبات و امنیت منطقه را به مخاطره افکنده است (مظاهری و مولایی، ۱۳۹۳). همه آن چه گفته شد دلالت بر ناامنی، خشونت بی‌قیدوشرط و بی‌ثباتی دارد که خود مهم‌ترین عوامل گریز شهروندان از سکونتگاه خویش است. جنگ شاید مهم‌ترین عامل پناهجویی و مهاجرت اجباری است. موج‌های کثیر پناهندگان از سوریه را می‌توان تا حد زیادی در تهاجم سال ۲۰۰۳ به عراق و جنگ داخلی متعاقب آن دنبال کرد که تخمین زده می‌شود ۶ میلیون پناهنده و تعداد مشابهی آواره داخلی ایجاد کرد. تحرکات جمعیت فشار زیادی بر زیرساخت‌های اردن، سوریه و سایر کشورهای همسایه وارد می‌کند و در عین حال حضور نیمه‌دائمی سازمان‌های بین‌المللی در اداره روزمره این جمعیت‌های غیر شهروند را ضروری می‌سازد. همین پویایی‌های منطقه‌ای سپس بر نحوه تأثیر بهار عربی بر تحولات سوریه نقش‌آفرینی کرد که یکی از مخرب‌ترین عناصر آن بحران پناهجویان بود. سازمان ملل تخمین می‌زند که طی جنگ داخلی سوریه، بیش از ۶ میلیون سوری از کشور فرار کرده‌اند، درحالی‌که ۱۰ میلیون دیگر در داخل کشور آواره شده‌اند. حجم جابه‌جایی جمعیت سوریه، چه در داخل و چه در خارج از مرزهای این کشور، می‌تواند توجه را از سایر فجایع موازی

منحرف کند. فروپاشی دولت لیبی موجی از آوارگان لیبیایی را به وجود آورده است، درحالی که مهاجران از جنوب صحرای آفریقا که قذافی زمانی گذرگاه آن‌ها را منع می‌کرد، همچنان از لیبی، عبور و از آن جا و سایر بخش‌های ساحلی شمال آفریقا در مسیر اروپا حرکت می‌کنند (Marc Lynch, March 29, 2017). یمن به واسطه ناکارآمدی حکومت مرکزی اقتدارگرا و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و همچنین رقابت و تقابل میان بازیگران قومی - قبیله‌ای درگیر بحرانی شدید شد. با این حال بحران در یمن قدمتی طولانی دارد و این کشور بحران‌های متعددی را پشت سر گذاشته است (لطفی و نورمحمدی، ۱۴۰۰: ۱۸). نزدیک به ۴۰۰،۰۰۰ یمنی در نتیجه جنگ بین نیروهای دولتی و جنبش حوثی‌ها در شمال و درگیری جداگانه در استان آیین جنوبی که در ماه مه ۲۰۱۱ آغاز شد، آواره داخلی هستند. حدود ۱۰۰،۰۰۰ نفر از اواسط سال ۲۰۱۲ با کمک کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل به آیین بازگشته‌اند (Guterres, 2013: 3-5).

اگرچه در سال‌های گذشته وضعیت امنیتی در داخل عراق بهبود یافته است، اما این کشور نیز عمیقاً در هم شکسته است و برای به‌دست آوردن ثبات تلاش می‌کند. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، حدود ۲۱۵۰۰۰ پناهجوی بازگشته را از سال ۲۰۰۹ ثبت کرده است - اما بیش از یک میلیون عراقی همچنان در داخل کشور خود آواره هستند. طبق گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل تا پایان سال ۲۰۱۶، بیش از ۵ میلیون پناهجو به کشورهای اروپایی رسیدند که اکثریت آن‌ها از سوریه بیرون رانده شده بودند، اما در میان آن‌ها افغان‌ها، عراقی‌ها و اریتره‌ای نیز وجود داشتند (UNHCR, 2021). با وجود این، امروزه کمی بیش از ۱ میلیون سوری با موفقیت از زمان شروع بحران سوریه از حمایت بین‌المللی در اتحادیه اروپا برخوردار شده‌اند (UNHCR, 2021).

در افغانستان نیز بحران‌های فراگیر و بی‌ثباتی بارز و پایدار جامعه و دولت در این کشور به‌شمار می‌آید. قتل، خشونت، غارت اموال و تعدی به مناطق دیگر، شاخصه اصلی این دوره از تاریخ افغانستان به حساب می‌آید (میرعلی و حلیمی، ۱۴۰۱: ۳). همچنین باید افزود؛ افغانستان دچار بحران جغرافیای قومی است. نیروهای گریز از مرکز به واسطه شرایط جغرافیایی قومی و تنوع قومی - فرهنگی به منازعات مسلحانه با دولت مرکزی و یا با یکدیگر برای کسب حداکثر قدرت پرداخته‌اند. فقدان اقتدار داخلی دولت مرکزی بر تشدید دامنه منازعات مسلحانه قومی افزوده است. از سوی دیگر موقعیت جغرافیایی کشور حایل افغانستان نیز موجب تشدید تضعیف ساختار دولت مرکزی شده است (هادیان، ۱۳۸۸: ۲). این کشور چهارده سال

پس از خاتمه جنگ، همچنان درگیر فرآیند برقراری صلح بوده است و در نهایت در سال ۲۰۲۱، طالبان بار دیگر قدرت را در این کشور در دست گرفت. به قدرت رسیدن این گروه افراطی با عقاید عجیب و سخت‌گیرانه موجب فرار شهروندان از زادگاه خود و در نهایت به مهاجرت اجباری دامن زده است. در مجموع، این بحران‌های اجتماعی، که جنگ و درگیری‌های منطقه‌ای، نمود بارز آن به شمار می‌آید، سبب مهاجرت اجباری عده زیادی از شهروندان خسته از بحران‌های طولانی مدت شده تا شاید بتوانند در مکان جدید با امنیت و به دور از دغدغه خاطر به زندگی خود ادامه دهند.

۲-۱-۳) بحران‌های اقتصادی

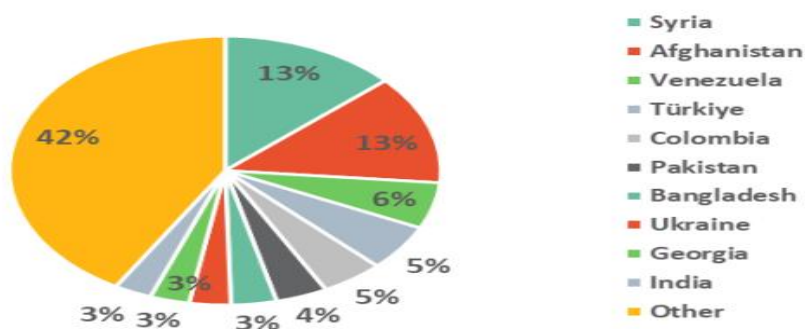
ساختارهای شکننده و متزلزل سیاسی و همین‌طور اقتدارگرایی دولتی، زمینه‌ساز بسیاری از بی‌ثباتی‌های سیاسی، اقتصادی و مانع عمده توسعه اقتصادی و سیاسی در این منطقه بوده است (دیلم‌صالحی، ۱۳۸۴: ۱۵۰). از یک منظر؛ این اقتدارگرایی اساساً ریشه اقتصادی دارد، اقتصاد برخی از این کشورها مانند شیخ نشین‌های حوزه خلیج فارس، بر وجود منابع عمده نفت و فرهنگ بیمار رانت‌جویی (دولت رانتیه) و برخی دیگر مانند سوریه، مصر، اردن و... بر پایه ویژگی‌های اقتصاد رفاقتی، ساختار بندی شده است. در پرتو ساختارهای اقتصادی نا سالم رفاقتی و بازتوزیعی، عموماً بیکاری یکی از مهم‌ترین مشکلات اساسی در اقتصاد کشورهاست. بیکاری خود مسبب فساد و ناکارآمدی اجتماعی می‌شود. همچنین اکثر کشورهای خاورمیانه شاهد تورم یا افزایش سطح عمومی قیمت‌ها نیز هستند که به دلیل نوسانات و بروز بی‌ثباتی با انتظارات تورمی همراه شده و سرمایه‌گذاری مولد را مخاطره‌آمیز می‌سازد. برای نمونه؛ در سال ۲۰۲۳ میلادی، در میان ۱۹ اقتصاد منطقه منا، چهار کشور لبنان، سوریه، ایران و یمن تورم دو رقمی داشتند (روزنامه اعتماد، ۲۷ فروردین ۱۴۰۲). نرخ تورم در کشورهای عربی از سال ۲۰۱۹ با نرخ تصاعدی افزایش یافته است. نرخ تورم از ۳٫۵ درصد در سال ۲۰۱۹ به ۶٫۲ درصد در سال ۲۰۲۰ رسید، سپس در سال بعد به ۹٫۳ درصد افزایش یافت. با توجه به اینکه متوسط نرخ تورم بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۸ معادل ۴٫۷ درصد بوده، این رقم در سال ۲۰۲۲ حدود ۹٫۴ درصد رسید. (دیپلماسی ایرانی، ۱۴۰۲). نرخ تورم بالا همراه با نوسانات زیاد، اثرات نامطلوبی بر فرآیند رشد و توسعه اقتصادی و همچنین عدالت اجتماعی می‌تواند داشته باشد. حاصل بیکاری و تورم، فقر است. نارضایتی و فقر سبب ایجاد و گسترش اعتراضات و شورش‌های عمومی در خاورمیانه شده است این اتفاقات به نوبه خود موجب تحلیل و تضعیف استعدادها و امکانات

جامعه می‌گردد و از طرفی امنیت و ثبات اجتماعی را که پیش شرط‌های لازم و ضروری سرمایه‌گذاری است، به خطر می‌افکند (سپهردوست و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۴-۷). به نظر می‌رسد عوامل و زمینه‌های یادشده در کنار سایر دلایل و انگیزه‌های فردی، موجبات اصلی مهاجرت اجباری بخش چشمگیری از جمعیت این منطقه به اروپا را طی سال‌های اخیر فراهم نموده است.

۲-۳) سیاست‌های اروپا در قبال پناهجویان؛ وضعیت استثنایی و هموساکر

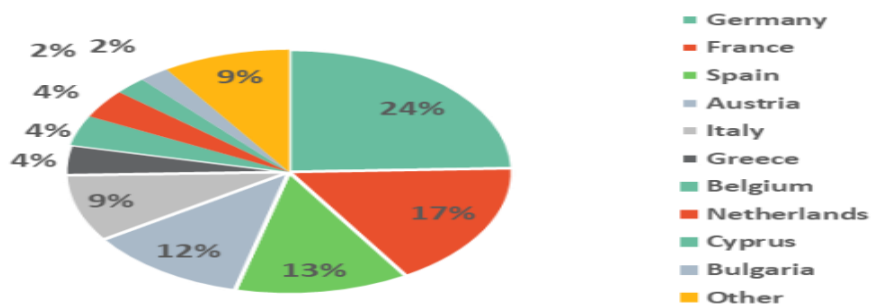
از آوریل ۲۰۱۵، زمانی که پنج قایق حامل پناهجویان در دریای مدیترانه غرق شدند و بیش از ۱۲۰۰ نفر کشته شدند، در گزارش و تحلیل‌های زیادی درباره‌ی این رویدادهای غم‌انگیز و بازتاب آن بر جوامع اروپایی، برچسب‌هایی مانند «بحران مهاجران اروپایی» و «بحران پناهندگان اروپایی» به‌طور گسترده توسط رسانه‌ها و سیاست‌مداران مورد استفاده قرار گرفت (Lee & Nerghes, 2018: 1). تا پایان اکتبر ۲۰۱۶ «تنها» ۳۳۶۰۵۰ پناهجو از طریق دریای مدیترانه به اروپا رسیده بودند (UNHCR, 2016). در بهار ۲۰۱۵، یک تغییر ناگهانی در جریان جمعیت بین کرانه‌های جنوبی و شمالی دریای مدیترانه رخ داد. تعداد کل پناهجویان جدید از کم‌تر از ۵۸۰۰۰ در آوریل به نزدیک به ۸۹۰۰۰ در ژوئن افزایش یافت. تعداد متقاضیان جدید از سوریه تقریباً دو برابر شد، از اندکی کم‌تر از ۱۱۰۰۰ به نزدیک به ۲۱۰۰۰ نفر رسید. موج پناهندگان در طول تابستان با جابه‌جایی حدود ۱۹۰۰۰۰ سوری در ژوئیه، آگوست و سپتامبر ۲۰۱۵ افزایش یافت، سه برابر تعداد مهاجران در مدت مشابه در سال ۲۰۱۴. این نرخ سالانه حدود ۶۷۲۰۰۰ نفر را نشان می‌دهد. تا اواخر اکتبر، در مجموع ۵۰۷۰۰۰ سوری به دنبال اقامت در اتحادیه اروپا بودند یا مجوز اقامت دریافت کرده بودند (Heisbourg, 2016: 7-9).

Main countries of origin of asylum seekers in the EU
2022



شکل ۱. کشورهای مبدأ (خاستگاه اصلی) پناهیویان به اتحادیه اروپا (۲۰۲۲)

Main countries of destination of asylum seekers in the
EU 2022



Source: Eurostat

شکل ۲. کشورهای اصلی مقصد پناهیویان در اتحادیه اروپا (۲۰۲۲)

این جریان ناگهانی و عظیم پناهجویی تأثیر قابل توجهی بر سیاست داخلی اکثر کشورهای اروپایی گذاشت و تنش‌های جدیدی بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا ایجاد و تنش‌های قبلی را تشدید نمود. واکنش اروپا اما در برابر این بحران چه بود؛ در ادامه مهم‌ترین مؤلفه‌ها و مکانیسم‌های «هوموساکر سازی» پناهندگان از سوی دولت‌های اروپایی را بررسی و تبیین خواهیم نمود.

۱-۲-۳) امنیتی سازی پناهندگان

به نظر می‌رسد یکی از رایج‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین تاکتیک‌ها و مکانیسم‌های کشورهای اروپایی برای مقابله با بحران پناهجویی در این کشورها، امنیتی‌سازی و جرم‌انگاری موضوع پناهندگان است، پناهندگان ممکن است هیچ خطر واقعی برای یک کشور پذیرنده ایجاد نکنند، اما دولت‌ها و رهبران سیاسی ممکن است آن‌ها را به عنوان یک تهدید امنیتی تلقی کنند (Steohenson & other, 2023:2). این تاکتیک با ویژگی‌های حیات برهنه و هموساگر مد نظر آگامبن کاملاً همخوانی دارد. امنیتی‌سازی موفقیت‌آمیز موضوع پناهندگان، این امکان را برای رهبران فراهم می‌کند تا به اهداف خود مشروعیت بخشیده و ابزارهای ویژه‌ای را برای برخورد با آن به کار گیرند. این اقدامات می‌تواند شامل اعلام وضعیت اضطراری، بسیج ارتش و یا نیروی پلیس برای رسیدگی به «ادعای اشغال» این کشورها از سوی پناهندگان باشد. مهاجران و پناهندگان به‌عنوان افراد خارجی در نظر گرفته می‌شوند که حضور و اقدامات آن‌ها امنیت شهروندان و کشور را به خطر می‌اندازد. (Steohenson & other, 2023: 2).

در راستای این سیاست و در پاسخ به رویداد بی‌سابقه بحران پناهندگی از ۲۰۱۵، چندین کشور اروپایی محدودیت‌ها و تغییراتی را در قوانین خود در مورد عبور از مرزهای داخلی خود اعمال کردند. برخی از کشورهای اروپایی با بستن مرزهای دولتی خود به طور کامل واکنش نشان داده‌اند و برخی نیز حصارها را به‌عنوان یک راه‌حل اضافی برای دور نگه‌داشتن پناهجویان برپا کرده‌اند. افزون بر این، یکی از مشوق‌های اصلی کشورهای اروپایی برای پایان دادن به مهاجرت غیرقانونی، توافقی است که بین اتحادیه اروپا و ترکیه در ۱۸ مارس ۲۰۱۶ انجام شد که قرار است از ورود افراد به مرزهای جزایر یونان جلوگیری کند (UNHCR, 2016b). با وجود این، مسدود کردن رایج‌ترین مسیرهایی که پناهندگان برای رسیدن به اروپا از آن‌ها عبور کرده‌اند، تنها باعث شده است که پناهندگان به دنبال مسیرهای دیگر و خطرناک‌تر مانند عبور از شمال آفریقا به ایتالیا باشند (UNHCR, 2016c) می‌توان ادعا کرد که این مسیر باعث شده است که تعداد کشته‌ها در سال ۲۰۱۶ حتی بیشتر از سال ۲۰۱۵ باشد. نحوه بستن مرزهای داخلی خود توسط کشورهای اروپایی در پاسخ به هجوم گسترده پناهجویان را می‌توان ابزاری برای عدم ورود آن‌ها به کشورها و در نتیجه تعهداتی که این کشورها امضا کرده‌اند، مانند کنوانسیون سازمان ملل متحد و پروتکل پناهندگان در نظر گرفت. با بستن مرزها، اشخاصی که وارد این کشورها می‌شوند، به مثابه هموساگر در وضعیت استثنایی اردوگاهی قرار می‌گیرند و از هر گونه پوشش قانونی محروم هستند. بنابراین بسته شدن مرزها به‌عنوان یک استراحتگاه اصلی عملاً به معنای طرد پناهجویان

از شمول قوانین دولت‌ها و قرار گرفتن آن‌ها در وضعیت حیات برهنه است. طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی، کشورهای امضاکننده دیده‌بان حقوق بشر (۲۰۱۶) گزارش داده‌اند که هزاران مهاجر و پناهجو در پاییز ۲۰۱۵ در مرزهای مختلف با سرپناه ناکافی و بدون هیچ گونه توانایی برای ادامه سفر گیر افتاده‌اند. مورد مجارستان نمونه بارز یک کشور اروپایی است که با بستن مرزهای خود به‌عنوان استراحتگاهی برای دور نگه داشتن خارجی‌ها به حجم زیادی از پناهجویان پاسخ می‌دهد. مجارستان در سال ۲۰۱۵ و اواخر آگوست ۲۰۱۵ با فشار زیادی از سوی متقاضیان پناهندگی روبه‌رو بود. پاسخ دولت مجارستان شامل ساخت حصار در امتداد مرز صربستان در سپتامبر ۲۰۱۵ و حصار دیگری در مرز خود با کرواسی در اکتبر همان سال بود. افزون بر این، آن‌ها رژیم مرزی جدیدی را معرفی کردند که امکان بازگرداندن پناهجویان را از طریق مسیر سریع به صربستان فراهم می‌کرد؛ زیرا صربستان به‌عنوان یک کشور ثالث امن ایجاد شده بود و هرگونه ورود غیرقانونی به مجارستان را «جرم‌انگاری» می‌کند. این امر منجر به محکومیت بیش از ۵۰۰ نفر به دلیل عبور نامنظم از مرز و بازگشت به صربستان شد. از این گذشته، برای سرعت بخشیدن به فرآیندهای پناهندگی، قانونی از سپتامبر ۲۰۱۵ به سربازان اجازه می‌دهد تا در مرز مستقر شوند و از نیروی غیرکشنده علیه پناهجویان و مهاجران استفاده کنند. کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل بعد از استفاده خشونت‌آمیز از گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش علیه پناهجویان معترض به بسته‌شدن یک نقطه مرزی با صربستان، استفاده از زور توسط پلیس را نامتناسب خواند (HRW, 2016) هنگامی که بحران پناهجویان در نیمه دوم سال ۲۰۱۱ شتاب گرفت، جریان‌های پناهجویی از پیش موجود به سادگی تشدید شد به طوری که ۲۸ کشور اتحادیه اروپا تقریباً یک سوم از پناهندگان سوری را در سال اول بحران پذیرفت. اما اروپا درها را به روی پناهجویان به نسبت فرار آن‌ها از سوریه باز نکرد و سهم آن از جریان کلی پناهجویان از ۲۹,۴ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۴,۱ درصد در سال ۲۰۱۲ و بیشتر به ۲,۳ درصد در سال ۲۰۱۳ کاهش یافت و در مقابل، موانعی که پناهجویان سوری در راه رسیدن به اتحادیه اروپا با آن روبه‌رو می‌شدند افزایش یافت و تعداد پناهجویان سوری که برای رسیدن به اروپا به قاچاقچیان روی می‌آوردند، از ابتدای بحران به شدت افزایش یافت که نشانه‌ای از بسته شدن مرزهای اروپا بود. بدین ترتیب، تشدید کنترل و نظارت بر مرزها از یک سو و امن‌سازی مهاجرت (اعطای پناهندگی محدود) از سوی دیگر، رویکردهای اصلی سیاستی بوده است که وجود نوعی سیاست‌گذاری تلفیقی را در سطح اتحادیه اروپا تأیید می‌کند. استدلال شده است که چارچوب‌بندی

مهاجرت به‌عنوان یک «بحران» امنیتی به اتحادیه اروپا کمک می‌کند تا بتواند سیاست‌های معمول مانند کنترل شدید مرزها را با پیامد مستقیم ممانعت از جست‌وجوی مسیرهای امن و قانونی برای ورود به اتحادیه اروپا، یکپارچه کند (Jeandesboz and Pallister-Wilkins, 2016). این استحکامات خود را به اشکال مختلف نشان داده است: ایجاد دیوار در سراسر کشورهای عضو، اسکان مجدد و طرح‌های جابه‌جایی درون اتحادیه اروپا (حدود ۱۴۰۰۰ پناهنده در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا اسکان داده شده‌اند) و در نهایت، سیاست چندجانبه در زمینه همکاری و توسعه با مهاجران خارجی و مهاجرت مهاجران خارجی، نسبت سوری‌هایی که از طریق دریا به یونان یا ایتالیا قاچاق می‌شوند، در مقایسه با افرادی که به طور منظم در اتحادیه اروپا به دنبال پناهندگی بودند، از ۱۴,۷ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۴۰,۹ درصد در سال ۲۰۱۲ و ۴۴,۷ درصد در سال ۲۰۱۳ افزایش یافت. به عبارت دیگر، ۴۴,۷ درصد از کسانی که در سال گذشته در اروپا درخواست پناهندگی کردند، تنها با به خطر انداختن جان خود در دریا با قاچاقچیان، توانستند به قلمرو یکی از کشورهای عضو - یک الزام قانونی برای درخواست پناهندگی - برسند. این که تعداد آن‌ها از ۹۴۷ در سال ۲۰۱۱ به ۸۵۰۹ در سال ۲۰۱۲ و ۱۸۹۷۲ در سال ۲۰۱۳ رسیده باید به‌عنوان پاسخی به موانع ایجاد شده (پلیس یا حصارهای سیمی) توسط یونان و بلغارستان در مرز زمینی آن‌ها با ترکیه تفسیر شود. یونان نمونه برجسته‌ای در این زمینه است؛ در سه سال پس از آغاز درگیری در سوریه، پلیس یونان و مقامات بندری یونان ۱۶۲۱۱ پناهجوی سوری قاچاق شده از طریق دریا را دستگیر کرده‌اند که تقریباً همه آن‌ها سعی داشتند به مقصد دیگری در اروپا برسند، زیرا یونان به دلیل عدم اعطای پناهندگی به سوری‌ها شهرت دارد (۲۵ مورد پاسخ مثبت برای ۱۰۱۵ درخواست دریافت شده) (Fargues, 2023: 2-3). بنابراین، نگره‌داشتن پناهندگان در خارج از مرزهای یک کشور و در واقع نگره‌داشتن آن‌ها در خارج از تعهدات قانونی خود چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، می‌تواند به مثابه روشی برای امنیتی‌سازی و جرم‌انگاری فردی که به‌طور غیرقانونی از مرز این کشورها عبور می‌کنند، تلقی گردد.

۲-۲-۳) دوگانه‌سازی مفهومی پناهنده در مقابل مهاجر

مفهوم‌سازی دوگانه مهاجر/ پناهجو یکی از مکانیسم‌های گفتمانی مرسوم کشورهای اروپایی در برخورد با اتباع خارجی است که به این کشورها سرازیر می‌شوند. افزایش کنترل و نظارت‌های مرزی داخلی توسط کشورها دسته‌بندی افراد عبوری را آسان‌تر می‌کند تا مشخص شود که آیا مهاجر، پناهنده

قانونی یا غیرقانونی هستند (Vaughan-Williams 2015: 18-21). کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کارگران مهاجر، فرد مهاجر را این گونه تعریف می‌کند: «شخصی که در کشوری که تابعیت آن را ندارد، قرار است مشغول به کار شود، مشغول به کار است، یا مشغول به کار بوده است» (یونسکو، ۲۰۱۶). از این تعریف گسترده از مهاجران می‌توان نتیجه گرفت که؛ اصطلاح «مهاجر» در ماده ۱، الف) باید به‌عنوان تمام مواردی تلقی شود که تصمیم به مهاجرت آزادانه توسط فرد مربوطه، به دلایل «آسایش و راحتی شخصی» و بدون مداخله عامل اجبارکننده خارجی اتخاذ می‌گردد (یونسکو، ۲۰۱۶). این تعریف نشان می‌دهد که واژه مهاجر به پناهندگان، آواره‌گان یا افراد دیگری که به اجبار موطن و مسکن خود را ترک کرده‌اند، اطلاق نمی‌شود. مهاجران افرادی هستند که تصمیم می‌گیرند چه زمانی کشور خود را ترک کنند و به کجا بروند، حتی اگر این انتخاب محدود باشد. این تعریف گسترده از مهاجران منعکس‌کننده مشکل کنونی در تمایز بین مهاجرانی است که کشورهای خود را به دلیل آزار و اذیت سیاسی، درگیری‌ها، مشکلات اقتصادی، تخریب محیط زیست یا ترکیبی از این دلایل ترک می‌کنند و کسانی که این کار را در جست‌وجوی شرایط بقا یا رفاه انجام می‌دهند که در کشور مبدأ آن‌ها وجود ندارد. همچنین تلاش می‌شود تا جمعیت مهاجر را به گونه‌ای تعریف کند که موقعیت‌های جدید را در نظر بگیرد. مهاجر غیرقانونی، به افرادی اطلاق می‌شود که معمولاً در جست‌وجوی کار، بدون مدارک و مجوزهای لازم وارد کشوری می‌شوند (یونسکو، ۲۰۱۶).

بنابراین، کشورهای مقصد پناهندگی، با تعریف پناهندگان به‌عنوان مهاجران غیرقانونی، قبل از اینکه ثابت شود آن‌ها واقعاً پناهنده هستند و به دلیل ترس موجه از کشور خود گریخته‌اند، فضایی ایجاد می‌شود که در آن دولت‌های مستقل می‌توانند از کنوانسیون‌های بین‌المللی که آن‌ها را امضا کرده‌اند، مانند اعلامیه حقوق بشر و کنوانسیون پناهندگان اجتناب کنند. به اعتقاد ویلیامز تفکیک میان افرادی که بر اساس آزار و اذیت به کشور دیگری پناه می‌آورند و کسانی که به‌عنوان مهاجر در پی یافتن کار و یا شرایط بهتری برای زندگی به کشور دیگری روی می‌آورند، دشوار است (park, 2015: 78)، (Vaughan-Williams 2015: 18-21). بنابراین، با فقدان تمایز مفهومی روشن میان پناهندگان و مهاجران، این امکان را برای قدرت‌های مستقل در کشورهای اروپایی فراهم می‌کند که سیاست‌های امنیتی را ترویج و تشدید نمایند. با بسته شدن مرزها، پناهندگان به‌طور فیزیکی از قلمرو دولت‌ها خارج می‌شوند و باعث می‌شود که ورود افراد، غیرقانونی و یا ناقض قوانین دولت ملی به‌شمار آید. بنابراین،

پناهندگان از «قانون عادی» دولت ملی مستقل مستثنی هستند. این وضعیت باعث می‌شود که با آن‌ها بر اساس قوانین کیفری رفتار شود، نه قوانین و کنوانسیون‌های مربوط به افراد آواره اجباری که به دنبال پناهندگی هستند. بنابراین پناهنده به مثابه هوموساکر یا موجوی تلقی می‌گردد که تحت هیچ گونه حمایت قانونی نیست و دولت‌های ملی انگیزه لازم برای مسئولیت‌پذیری در قبال آن‌ها را ندارند.

بدین ترتیب، طبق این تعاریف که در چارچوب‌های گفتمانی کشورهای اروپایی برساخته و معناداری می‌شود، پناهندگان توسط رسانه‌ها، گفتمان سیاسی و افکار عمومی کشورهای اروپایی، به عنوان نقش‌های منفعل و به‌ندرت به‌عنوان عوامل فعال به تصویر کشیده شده‌اند (Bradimore & Bauder, 2011)؛ همین امر سبب می‌شود تصویری شدیداً منفی از مهاجران و به‌ویژه پناهندگان ارائه گردد که آن‌ها را از هرگونه ویژگی مثبت محروم می‌کند و همچنین به‌عنوان استثمارگر یا سوق دادن به مسیرهای جنایی متهم می‌کند (Bradimor & Bauder, 2011; Cohen, 2002; Van Dijk, 1998). این گفتمان‌سازی‌ها نشان از آشفتگی کشورهای مهاجرپذیر و اروپایی است که مبدا افراد تازه‌وارد به آرامش سیاسی، اقتصادی آنان لطمه وارد نماید و بحران‌های لاینحلی را شکل دهد.

بنابراین پناهجویان یا مهاجران اجباری/غیرقانونی بر پایه مرزبندی‌های گفتمانی و استراتژی‌های معناسازی و اقتناعی، تمایزیابی و غیریت‌سازی شده و به مثابه منبعی برای ترس و تهدید شهروندان قانونی و دولت مشروع آن سرزمین به تصویر کشیده می‌شوند. بدین ترتیب به‌نظر می‌رسد کشور مقصد راه‌حل فوری رهاشدگی و طردشدگی را برای آنان تجویز می‌کند. «به‌نظر می‌رسد؛ غیریت‌سازی موجب ترس و نگرانی در میان شهروندان اروپایی شده است که بیانگر این نکته است؛ «آن‌ها»ی پناهجو نمی‌توانند مانند «ما»ی شهروند به قوانین پایبند بوده و همواره در دسرساز هستند. ترس از نابودی امنیت و آسایش سبب واکنش نامتعارف و خشونت علیه پناهجویان شد. جامعه مهاجران در اروپا از ابتدا در قالب نوعی زندگی جزیره‌ای و زیست‌جهان‌های بیگانه شکل گرفته‌اند و رفته‌رفته مهاجرت و پناهجویی به‌ویژه طی سال‌های اخیر به بحرانی برای اروپا بدل گردید (Tyler, 2006).

۳-۲-۳) اعمال خشونت علیه پناهندگان

یکی دیگر از مکانیسم‌های کشورهای اروپایی در برخورد با پناهندگان، تاکتیک اعمال خشونت در قالب اقداماتی مانند بازداشت، ضرب و شتم، اخراج و ... پناهجویان اجباری است. به تعبیر آگامبن در موقعیت حیات برهنه اردوگاهی پناهجویان تعلق سرزمینی خود (حقوق شهروندی) و به‌طور کلی حقوق بشر را از

دست می‌دهند. در این راستا، قدرت‌های حاکم می‌توانند با ایجاد بازداشتگاه‌ها، فضایی را ایجاد کنند که خارج از دولت ملی و در عین حال در داخل آن قرار دارد، در چنین فضای «خاکستری یا بینابینی»، هموساگر هر لحظه در معرض نابودی و مرگ قرار دارد (Grundy-Warr & Rajaram, 2004: 37). «بازداشت» را می‌توان به عنوان نمونه‌ای بسیار کاربردی از فضایی در نظر گرفت که در آن افراد می‌توانند به مثابه هموساگر در نظر گرفته شوند. بنابراین، مفهوم بازداشت می‌تواند از بسیاری جهات با آن چه آگامبن در اثر معروفش «اردوگاه چیست؟» توصیف می‌کند، مرتبط باشد. در این جا، آگامبن اردوگاه را به‌عنوان «قطعه‌ای از قلمرو که خارج از نظم قانونی عادی قرار می‌گیرد» توصیف می‌کند (آگامبن، ۲۰۰۰: ۴۱). مطابق با دستورالعمل‌های بازداشت کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، «بازداشت» به محرومیت از آزادی یا حبس در یک مکان بسته اشاره دارد که پناهجو مجاز به ترک آن به میل خود نیست، اگرچه محدود به زندان‌ها یا بازداشت‌های هدفمند، مراکز پذیرش محصور، مراکز نگهداری یا مراکز دارای امکانات و تسهیلات نیست. (UNHCR, 2016a: 8) ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر به وضوح بیان می‌کند: «هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه، بازداشت کرد یا زندانی ساخت یا تبعید نمود» (سازمان ملل متحد ۱۹۴۸، ماده ۹). این موضوع در ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان نیز به‌صراحت بیان شده است که می‌گوید: دولت‌های متعاقد برای جابه‌جایی این پناهندگان محدودیت‌های دیگری جز موارد ضروری اعمال نخواهند کرد و این محدودیت‌ها تا زمانی که وضعیت پناهندگان در کشور مشخص نشده است و یا پذیرش در کشور دیگری را دریافت نکرده‌اند، اعمال نخواهد شد. کشورهای متعاقد به این پناهندگان یک دوره معقول و کلیه تسهیلات لازم را تا زمان دریافت پذیرش در کشور دیگری در اختیار خواهند گذاشت (سازمان ملل متحد، ۱۹۵۱، ۱۹۶۷، ماده ۳۱).

با این حال، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در گزارش خود در سال ۲۰۱۴ به نام «فراتر از بازداشت»، توضیح می‌دهد که چگونه جهان امروز بازداشت پناهجویان را به عنوان یک واکنش معمول و متعارف و نه استثنایی در تعدادی از کشورها می‌بیند. مکانیسم بازداشت، پناهجویان را از جامعه دور می‌کند که هدف اولیه آن نیز همین است، به این معنی که آن‌ها از امکانات و مزایای جامعه و فرصت عضویت در جامعه برخوردار نیستند و اگر بعداً در این جامعه رها شوند، بازداشت ممکن است ظرفیت آن‌ها را برای زندگی مستقل و کاملاً در داخل آن کاهش دهد، زیرا آن‌ها برای مدت طولانی خارج از

جامعه به سر برده‌اند (UNHCR, 2014: 5). هنگامی که پناهندگان در بازداشت قرار می‌گیرند، دولت‌های ملی مستقل می‌توانند این افراد را به طور مؤثر در کشور خود در حالت آماده باش نگه دارند، بدون اینکه آن‌ها را در قوانین و حقوق دولت ملی که شهروندان در نظر گرفته می‌شوند، در نظر بگیرند. در همین راستا و بر پایه گزارش شبکه نظارت بر خشونت مرزی در سال ۲۰۲۳، هزاران مهاجر اجباری و پناهجو با «افزایش بی‌سابقه خشونت» در مرزهای اتحادیه اروپا، روبه‌رو بودند، در این گزارش آمده است که گاردهای مرزی در ۱۳ کشور «تاکتیک‌های بازدارنده» وحشتناکی مانند ضرب‌وشتم طولانی‌مدت، تراشیدن سر، درآوردن اجباری لباس و تجاوز جنسی و حمله سگ‌ها و غیره را به مرحله اجرا درآوردند. (The Guardian.com, 2023). گزارش دیده‌بان حقوق بشر در سال (۲۰۱۶) نیز نشان می‌دهد که پناهندگان در شرایطی قرار گرفته‌اند که مطابق با کنوانسیون‌های حقوق بشر با آن‌ها رفتار نمی‌شود. برای نمونه، پناهندگانی که پس از توافق بین اتحادیه اروپا و ترکیه وارد یونان شدند، هنگام ورود آن‌ها را در مراکز ثبت نام بسته قرار می‌دهند. در یونان گزارش‌هایی در مورد شرایط بازداشت وجود دارد که نیازهای حفاظتی را برآورده نمی‌کند. همچنین گزارش شده است که کودکان بدون همراه نیز بسیار طولانی‌تر از بزرگسالان بازداشت شده‌اند و شرایط عمومی در بازداشتگاه‌های مهاجرتی ضعیف توصیف شد. علاوه بر این، از دسامبر ۲۰۱۴، پنج مورد وجود داشته است که در آن دادگاه اروپایی حقوق بشر یونان را مسؤول «رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز» در بازداشتگاه‌ها کرده است. نمونه دیگری از بهره‌گیری غیراخلاقی از بازداشت در مورد اسپانیا است، جایی که کمیته اروپایی برای پیشگیری از شکنجه، نگرانی خود را در مورد شرایط زندان مانند در بازداشتگاه‌های مهاجرت ابراز کرد و از ازدحام بیش از حد در مرکز مهاجران در ملیلا انتقاد کرد (HRW, 2016).

گزارش‌های ارائه‌شده در مورد عدول دول اروپایی از انجام وظایف قانونی خویش در قبال پناهجویان نشان می‌دهد که بیش از نیمی از جمعیت مهاجران (۵۳ درصد) که بخش عمده‌ای از آن‌ها کودکان بوده‌اند خشونت را تجربه کرده‌اند، از هر ۱۰ نفر (۱۰/۴ درصد) یک نفر در معرض شلیک اسلحه قرار گرفته است، از هر ۲۰ نفر (۵/۷ درصد) یک نفر تجربه گاز گرفتن توسط سگ‌های پلیس را داشته است، چهار مورد از پنج حادثه (۸۰ درصد) شامل شکنجه یا رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، از جمله؛ ضرب‌وشتم توسط پلیس با استفاده از چماق، تیزر و گاز اشک‌آور، برهنه شدن و سوزاندن لباس‌هایشان در مقابلشان و سرقت و تخریب اموال آن‌ها بوده است. محققان همچنین دریافتند

که ۱۷ درصد از پس‌زدن پناهجویان شامل چندین کشور اتحادیه اروپا (پس‌زدن زنجیره‌ای) است که پناهجویان به‌طور مخفیانه به کشورهایمانند ایتالیا و اسلونی منتقل می‌شوند، قبل از اخراج نهایی آن‌ها از اتحادیه اروپا از طریق کرواسی به بوسنی و هرزگوین یا صربستان منتقل می‌شوند. پناهجویان اغلب به دره‌ها و پایین شیب‌ها رانده می‌شوند، گاهی اوقات آن‌ها را وادار می‌کنند تا از رودخانه‌های مرزی عبور کنند یا شنا کنند؛ چیزی که به‌ویژه در شب‌های یخبندان زمستان خطرناک است. علاوه بر صدمات جسمی که بازماندگان گزارش دادند که پول‌هایشان به سرقت رفته، تلفن‌هایشان شکسته شده و بندهای کیف و کوله‌هایشان توسط پلیس کرواسی بریده شده است. اغلب آن‌ها را مجبور می‌کنند تا در مرز این کشورها، لباس‌هایشان را در بیاورند و کفش‌ها و لباس‌هایشان را جلوی چشمشان می‌سوزانند، بنابراین مجبور می‌شوند نیمه‌برهنه در روستاهای بوسنی یا صربستان در جست‌وجوی سرپناه قدم بزنند (Davies & other, 2022: 3-4). این توصیفات از وضعیت پناهندگی بیانگر همان «منطقه مبهم و خاکستری بین داخل و خارج، شرایط اجتماعی نه کاملاً طرد شده و نه کاملاً به رسمیت شناخته شده» است که پناهندگان و مهاجران عبوری از مرز با آن روبه‌رو می‌شوند (Lee, 2010: 10)، این مهاجران غیرمجاز، در عمل به‌عنوان سوژه‌هایی که نه شهروند هستند و نه غریبه، مورد توجه افکار عمومی و رسانه‌ها قرار می‌گیرند.

آگامبن این وضعیت اردوگاهی را به‌عنوان «قطعه‌ای از قلمرو که خارج از نظم قانونی عادی قرار می‌گیرد» توصیف می‌کند، اما برای کنار گذاشته شدن از قوانین و تبدیل شدن به این فضای خارجی، در عین حال نیاز به ادغام است؛ «حذف و ادغام» هم‌زمان رخ می‌دهد. بنابراین، وضعیت استثنایی، که در آن کسی (یا چیزی، مانند اردوگاه) مستثنی شده است، در عین حال به‌طور دائم در حوزه قانونی و دولت به‌عنوان یک استثنا گنجانده شده است. در این مورد، بازداشتگاه‌ها را می‌توان در این منطقه بی‌تفاوت توصیف کرد، جایی که هر اتفاقی ممکن است رخ دهد؛ زیرا حاکمیت عادی قانون به حالت تعلیق درآمده است. هنگامی که کشورهای اروپایی پناهندگان را با قراردادن آن‌ها در بازداشتگاه‌ها از جمعیت تحت حاکمیت خود حذف می‌کنند، در عمل به‌طور مؤثری آن‌ها را دایره شمول شهروندی طرد و این امکان را فراهم می‌کند که آن‌ها را از حقوق قانونی مرتب بر این مفهوم حذف کنند. بنابراین، در بازداشتگاه‌ها، سیاست‌های اجرا شده صرفاً زیست‌سیاسی است و در این فضا دیگر نمی‌توان هم‌موساگر را از شهروند تشخیص داد (Agamben, 2000: 37-41).

بدین ترتیب، در اقدام به بازداشت و شکنجه پناهندگان، می‌توان همبستگی روشنی با استراتژی طرد فراگیر یافت که آگامبن با به‌کارگیری مفهوم هموساگر توصیف می‌کند. پناهندگان را می‌توان در شکل هموساگر به گونه‌ای مشاهده کرد که زندگی آن‌ها غیرسیاسی شده و با قرار گرفتن در موقعیت حیات برهنه، از قلمرو عادی قوانین دولت کنار گذاشته می‌شوند. وضعیت استثنایی مورد نظر آگامبن نشان‌دهنده این واقعیت است که حاکم برای نشان دادن قدرت خود در مورد شهروندان بر پایه قانون رفتار می‌کند و در مورد بیگانگان فراتر از قانون تا نشان دهد امنیت شهروندان قانونی اهمیت به‌سزایی دارد، این رویه، او را وارد می‌کند با بدن‌های خاکی سخت‌گیرانه رفتار نماید.

نتایج و یافته‌ها

همان‌گونه که آمار و ارقام و شواهد موجود نشان می‌دهد؛ پناهجویی و مهاجرت از خاورمیانه طی یک دهه گذشته و به‌ویژه از سال ۲۰۱۵ به طرز بی‌سابقه‌ای رو به افزایش و کشورهای اتحادیه اروپا به‌عنوان مقصد اصلی این پناهندگان، بوده است. در نوشتار حاضر تلاش گردید به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که: «سیاست‌ها و مواضع کشورهای اروپایی در قبال پناهجویان خاورمیانه (به‌ویژه پناهجویان کشورهای سوریه، عراق، یمن و افغانستان) چرا و چگونه منجر به شکل‌گیری بحران پناهندگی طی سال‌های اخیر در این کشورها شده است؟ چنانکه اشاره شد، بحران‌ها و ناسامانی‌های گسترده سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، کشمکش‌ها و منازعات فرقه‌ای، مذهبی، قومی، مداخلات بازیگران خارجی و ظهور گروه‌های افراطی خشونت‌طلب از عوامل اساسی موج جدید مهاجرت شهروندان کشورهای خاورمیانه به اروپا بوده است. در واکنش به این رویداد بی‌سابقه، به رغم ادعای اروپا مبنی بر برتری و اولویت همیشگی حقوق بشر در نهادهای بین‌المللی، با مسأله پناهجویان برخوردی گزینشی داشته است و بنا بر منافع خویش، با برخی پناهندگان بر پایه قوانین پناهجویی رفتار کرده است و در قبال برخی دیگر قانون داخلی خود را برتر دانسته و رفتاری خشونت‌آمیز در پیش گرفته است. بر پایه چارچوب مفهومی پژوهش، وضعیت «غیرسیاسی» شده زندگی برهنه، به‌خوبی می‌تواند موقعیت «پناهندگان» و افراد «غیرقانونی» را که فاقد تکیه‌گاه‌های نهادی-سیاسی شهروندی هستند، ترسیم و تبیین نماید. «اردوگاه» آگامبن به‌مثابه یکی از شاخص‌ترین نمادهای حیات برهنه، چارچوبی قانع‌کننده از مطالعات در زمینه مهاجرت ارائه می‌کند که عموماً به دو نتیجه می‌انجامد: نخست؛ مهاجران غیرمجاز،

به‌عنوان سوژه‌هایی که نه شهروند هستند و نه غریبه، عمداً در وضعیت «استثنایی» بی‌نظمی «رها» می‌شوند تا به‌عنوان بخشی مولد از وضعیت طبیعی نئولیبرالی را تشکیل دهند. دوم؛ مهاجران غیرقانونی به وضعیت هوموساکر یا برهنگی زندگی محض بدون موقعیت رسمی برای مطالبه حمایت‌های حقوقی از شهروندی یا حقوق بشر فروکاسته می‌شوند. در پاسخ به بحران پناجویی سال ۲۰۱۵ کشورهای اروپایی راهبردها و مکانیسم‌های چندگانه‌ای از جمله امنیتی‌سازی موضوع پناهندگی، دوگانه‌سازی مفهومی پناهنده در مقابل مهاجر، اعمال خشونت علیه پناهجویان و ... را در دستورکار خود قرار دادند. درواقع با اتخاذ چنین رویکردی علیه پناهجویان عملاً آن‌ها را به مثابه هوموساکر در وضعیت استثنایی، حیات برهنه اردوگاهی قرار دادند. در شرایط اردوگاهی، حاکم فراتر از قانون ایستاده است و تصمیم می‌گیرد. فراتر از قانون با پناهجویان رفتار می‌شود؛ چراکه آنان دیگر مشمول هیچ قانونی نیستند، به‌عبارتی آنان تعلقات و حقوق شهروندی کشور خود را از دست داده‌اند و با عدم پذیرش کشورهای مقصد و یا قرار گرفتن در وضعیت خاکستری و برزخی اردوگاهی، حقوق بشر را نیز از دست داده یا در برابر نقض حقوق بشر آسیب‌پذیر می‌شوند و در عمل در معرض خطر «مرگ بدون قتل» قرار دارند. همان‌طور که این بحث نشان داد، سامانه مفهومی آگامبن به ما اجازه می‌دهد تا اشکال جدیدی از «سلطه» و «سرکوب» را در زندگی معاصر تشخیص دهیم که اغلب در ادعاهای بشردوستانه و لیبرال خشن پنهان هستند. این دولت‌ها هستند که بنا بر منافع خویش، وضعیت را عادی و یا استثنایی جلوه می‌دهند و در وضعیت استثنا، قدرت عریان خود را آشکار می‌کنند. هرچند در بیان شرح‌حال باز هم از الفاظ حقوقی و قانونی دولت بهره گرفته می‌شود اما این قدرت عریان در آستانه قانون، به شیوه پنهان خشونت را بازتولید می‌کند، همان‌گونه که در رفتار دولت‌های اروپایی در خصوص پناهجویان قابل رؤیت است.

فهرست منابع

- اختیاری امیری، رضا، رفیع، حسین و عصمت عارفی (۱۳۹۷). «مهاجران خاورمیانه‌ای و امنیت اروپا»، مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۴۲: ۱۰۱-۷۳.
- اشمیت، کارل (۱۳۹۲). «مفهوم امر سیاسی»، نقل شده در کتاب قانون و خشونت، گزینش و ویرایش: مراد فرهادپور، امید مهرگان و صالح نجفی، تهران: رخداد نو: ۱۵۴-۸۹.
- اکبری، حمیدرضا (۱۳۹۵). «چگونگی نقش‌آفرینی داعش در مناسبات سیاسی خاورمیانه»، جستارهای سیاسی معاصر، سال هفتم، شماره اول: ۲۶-۱.
- بوزان، باری، ویور، الی، دووید، پاپ (۱۳۹۲). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسینی، فرشته سادات، رضا نصیری لاریمی و کارن روحانی (۱۴۰۱). «بحران پناهندگی اتحادیه اروپا در آیین دیوان اروپایی حقوق بشر»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۲، شماره ۴: ۲۰۹۳-۲۰۷۶.
- دیلم‌صالحی، بهروز (۱۳۸۴). «چالش‌های دموکراسی در خاورمیانه»، مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم، شماره ۱: ۱۷۲-۱۴۳.
- رجبی، لیلا و علی اشرف‌خانه‌ای (۱۳۹۵). «مدیریت مهاجران بین‌المللی و پناهندگی در هزاره سوم با تکیه بحران آوارگان در اروپا»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی: ۳۸-۱.
- رضی، رضا (۱۳۹۴). «عملکرد کشورهای عضو اتحادیه اروپا در قبال پناهجویان»، پژوهش ملل، دوره اول، شماره یکم: ۲۷-۱۹.
- سپهردوست، حمید، حسینی‌دوست، سیداحسان و مریم بیاتانی و مرضیه رسولی (۱۴۰۰). «تأثیر ساختار مالیاتی بر فقر درآمدی در اقتصاد کشورهای منتخب خاورمیانه و شمال آفریقا»، اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، سال بیست و هشتم، دوره جدید، شماره ۲۱: ۲۳۸-۲۰۳.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۹۵)، واکاوی ریشه‌های شکل‌گیری داعش در سوریه و عراق، فصل‌نامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸: ۱۸۷-۱۶۲.
- لطفی، میلاد و مرتضی نورمحمدی (۱۴۰۰). «استمرار بحران در یمن و ریشه‌های درونی آن»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۳، پیاپی ۳۹: ۱۳۱-۱۰۸.
- مظاهری، محمدمهدی و اعظم مولایی (۱۳۹۴). «نقش فرقه‌گرایی در عقب‌ماندگی تمدنی مسلمانان (مطالعه موردی گروه داعش) برگرفته از سایت پایگاه اطلاعاتی دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت به آدرس <http://www.dmsonnat.ir>

- میرعلی، محمدعلی و عمران حلیمی (۱۴۰۱). «شرق‌شناسی و تولید بحران در افغانستان»، مطالعات تاریخی جهان اسلام، سال دهم، شماره ۲۴: ۹۶-۱۱۷.
- ناصرپور، حسن (۱۳۹۴). «داعش و ژئوپلیتیک مقاومت اسلامی»، مطالعات فلسطین، شماره ۲۶: ۸۰-۴۹.
- هادیان، حمید (۱۳۸۸). «ضعف ساختاری دولت-ملت سازی در افغانستان: جغرافیا و قومیت»، راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۱: ۱۳۳-۱۵۲.
- روزنامه اعتماد، (۱۴۰۲) بعد از لبنان و سوریه؛ تورم ایران رتبه سوم تورم خاورمیانه است، یکشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۲، شماره ۵۴۶۱
- دیپلماسی ایرانی، (۱۴۰۱)، کشورهای عربی با تورم و تشدید فقر دست و پنجه نرم می‌کنند. <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/>
- Agamben, Giorgio (1998), *Homo Sacer, Sovereign Power and Bare Life*, Stanford University Press.
- Agamben, Giorgio (2000), *Means without Ends*. Notes on politics. Minneapolis, London: University of Minnesota Press.
- Agamben, Giorgio (2003), *Gigantomachy Concerning a Void, State of Exception*, Chicago: The University of Chicago Press.
- Bradimore, A & Bauder, H. (2011). Mystery ships and risky boat people: Tamil refugee migration in the newsprint media. *Canadian Journal of Communication*, 36, 637- 661.
- Butler, J. (1993). *Bodies that matter: On the discursive limits of sex*. Lndon: Routledge.
- Cohen, S. (2002). *Folk devils and moral panics: The creation of the mods ans rockers (3rd Ed.)*. London, England: Routledge.
- Cohen, Saun Bernard (2009). *Geopolitics: The Geography of International Relations*, Maryland, Rowman and Littlefield, 2009, p. 362
- Davies, T & other (2022). “Epistemic Borderwork: Violent Pushbacks, Refugees, and the Politics of Knowledge at the EU Border”, *Annals of the American Association of Geographers* in <http://www.tandfonline.com/loi/raag21>.
- European Commission (2016, 19.03). European Commission - Fact Sheet. EU-Turkey Statement: Questions and Answers. *Factsheet on the EU-Turkey Statement*. Retrieved from [http://europa.eu/rapid/press-release MEMO-16-963_en.htm](http://europa.eu/rapid/press-release_MEMO-16-963_en.htm)
- Parenti, Christian, (2012), *Tropic of Chaos: Climate Change and the New Geography of Violence*, Nation Books.

- Fargues, Philippe (2014). "Europe Must take on its Dshare of the Syrian Refugee Burden, But How?" *Opinions on the Mediterranean* in <http://www.Jstor.com/stable/resrep18712>.
- Foucault, M. (2003). *Society must be defended. Lectures at the Collège de France, 1975–1976* (eds. M. Bertani & A. Fontana). New York: Picador.
- Guterres, A (2013). "Crises Have Multiplied with the Arab Spring, The solutions are not humanitarian, but Political", *CAIRO Review*, pp 30-39.
- Heisbourg, F (2015). "The Strategic Implications of the Syrian Refugee Crisis", *Survival global politics and Strategy*, Vol.57: pp 7-20.
- Lee, Ch (2010). Bare Life, Interstices, and the Third Space of Citizenship, *Western Political Science Association*, vol.38, No ½: pp 57-81.
- Lee, J & Nerghes, A (2018). "Refugee or Migrant Crisis? Labels, Perceived Agency, and Sentiment Polarity in Online Discussions", *Social Media for Social Good or Evil*, p.p 1-22.
- Rajaram, P.K. & Grundy-Warr, C. (2004). The Irregular Migrant as Homo Sacer: Migratin and Detention in Australia, Malaysia, and Thailand. In *International Migration*, 42 (1), pp 33- 64.
- Schmitt, Carl (2005), *Political Theology: Four Chapters on the Concept of Sovereignty*, trans. by George Schwab, University of Chicago Press, 2005.
- Silbermann, M & Daher. M & Other (2016). "Middle Eastern Conflicts: Implications for Refugee Health in The European Union and Middle Eastern Host Countries", *American Society of Clinical Oncology*, vol 2, issue 6.
- Spinks, L. (2008). Except for law: Raymond Chandler, James Ellroy, and the politics exception. *South Atlantic Quarterly*, 107 (1), 121- 143.
- Tyler, I. (2006). 'Welcome to Britain': The cultural politics of asylum. *European Journal of Cultural Studies*, 9(2), 185–202.
- Ugilt, Rasmus (2014). *Giorgio Agamben: Political Philodophy*, Humanities-Ebooks, 2014.
- UNHCR (2016, 25.10). Mediterranean death toll soars, 2016 is deadliest year yet. Retrieved from: <http://www.unhcr.org/news/latest/2016/10/580f3e684/mediterranean-death-toll-soars-2016-deadliest-year.html>
- UNITED NATIONS HIGH COMMISSIONER FOR REFUGEES (UNHCR). (2016). Refugees/Migrants Response – Mediterranean. Regional Overview. Retrieved from <http://data.unhcr.org/mediterranean/regional.php>
- UNITED NATIONS HIGH COMMISSIONER FOR REFUGEES (UNHCR). (2021). Syria Refugee Crisis – Globally, in Europe and in Cyprus. Retrieved

from: <https://www.unhcr.org/cy/2021/03/18/syria-refugee-crisis-globally-in-europe-and-in-cyprus-meet-some-syrian-refugees-in-cyprus/>

Van Dijk, T. A. (1998). What is political discourse analysis? In J. Blommaert & C. Bulcaen (Eds.), *Political linguistics* (pp. 11- 52). Amsterdam, the Netherlands: Benjamins.

Zembylas, M. (2010). Agambens Theory of Biopower and Immigrants/ Refugees/ Asylum Seekers, *Journal of Curriculum Theorizing*, 26 (2), pp 31- 45.

www.un.org www.Carnegieendowment.org www.TheGurdian.com

Coutin, Susan Bibler. 2003. "Illegality, Borderlands, and the Space of Nonexistence." In *Globalization under Construction: Governmentality, Law, and Identity*, ed. Richard Warren Perry and Bill Maurer. Minneapolis: University of Minnesota Press.

Bare Life, Interstices, and the Third Space of Citizenship Author(s): Charles T. Lee Source: *Women's Studies Quarterly*, Vol. 38, No. 1/2, CITIZENSHIP (SPRING/SUMMER 2010), pp. 57-81

Agamben, G., 1998. *Homo Sacer: Sovereign Power and Bare Life*. Translated by D. Heller-Roazen. Stanford, California: Stanford University Press.

Agamben's Theory of Biopower and Immigrants/Refugees/Asylum Seekers Discourses of Citizenship and the Implications for Curriculum Theorizing MICHALINOS ZEMBYLAS the Open University of Cyprus, *Journal of Curriculum Theorizing*, Volume 26, Number 2, 2010

European Commission (2016b, 19.03). European Commission --- Fact Sheet. EU---Turkey Statement: Questions and Answers. *Factsheet on the EU---Turkey Statement*. Retrieved from

http://europa.eu/rapid/press-release_MEMO-16-963_en.htm

Vaughan---Williams, N. (2015). *Europe's Border Crisis. Biopolitical Security and Beyond*. Oxford

University Press: Oxford.

UNESCO (2016). Migrant/Migration. Learning to live together. *Social and Human Sciences. International migration*. Retrieved from <http://www.unesco.org/new/en/social-and-human-sciences/themes/international-migration/glossary/migrant/>

UNHCR (2014). Beyond Detention. A Global Strategy to support governments to end the detention of asylum-seekers and refugees. 2014-2019. Retrieved from <http://www.unhcr.org/53aa929f6.pdf>

Cordesman, A. H. (2020). The Greater Middle East: From the "Arab Spring" to the "Axis of Failed States", The Center for Strategic and International Studies (CSIS). March 4 at: <https://csis-website->

prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/200824_MENA
_Axis_Failed_States.pdf.